

فضاهای معنامحور و میادین اجتماعی در شهرسازی اسلامی رکن گمشده (فضاهای تعاملی) در کلان‌شهرهای ایرانی - اسلامی امروز

شهاب عباس‌زاده* - استادیار معماری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

حمید گوهری - کارشناس ارشد طراحی شهری

تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۶

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۳

چکیده

بخش عمده‌ای از ویژگی‌های فضاهای شهری گذشته ایران در مؤلفه‌های معنایی و معنامحوری نمود پیدا کرده است؛ ویژگی‌هایی که در دوران معاصر دچار گمشدگی و فراموشی شده‌اند. یکی از اصلی‌ترین فضاهای شهری که تأثیر زیادی از این مسئله گرفته میادین شهری است. عمده‌ترین دلیل این مسئله را می‌توان بی‌توجهی به ویژگی‌های معنایی و معنوی شهرسازی و معماری سنتی دانست. هدف از این پژوهش بررسی ویژگی‌های میادین سنتی و شناسایی معیارهای تحلیل معنائشناسانه در فضاهای شهری به منظور ارتقای سطح تعاملات اجتماعی است. بدین منظور پژوهش حاضر با بررسی و تحلیل ادبیات موضوع گسترده میادین شهری و تحلیل معنائشناسانه به ارائه چارچوب نظری تحقیق پرداخته است. در ادامه با انجام مطالعات میدانی (مشاهده و پرسشنامه) و با استفاده از تحلیل‌های توصیفی (تکنیک‌های چیدمان فضایی (Space Syntax)، عکاسی و مساحی) و استنباطی (تحلیل عاملی تأییدی توسط نرم‌افزار لیزرل (LISREL) به مقایسه چارچوب نظری مستخرج از ادبیات موضوع و اطلاعات جمع‌آوری شده در جهت اثبات فرضیه اقدام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد از میان معیارهای کیفی مورد سنجش معنائشناسانه معیارهای

ذهنی مانند تنوع، رنگ و نشانه‌ها بیشترین رابطه را با بعد تعاملات اجتماعی دارند؛ لذا از این نتایج می‌توان در افزایش معنامحوری و معنویت در فضاهای شهری استفاده نمود؛ امری که منجر به ایجاد فضاهای تعاملی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تحلیل معناشناسانه، تعاملات اجتماعی، فضای شهری، معنا و معنویت، میدان.

مقدمه

ارزش‌ها و معیارهای موجود در میداین سنتی برخاسته از مکاتب و سبک‌های شهرسازی ایران (سبک خراسانی، مکتب اصفهان و...) بوده‌اند و اصالتی اسلامی و معنوی داشته‌اند. ویژگی‌های کالبدی، عملکردی و اجتماعی در میداین شهری سنتی به طور ملموسی معنامحور بوده‌اند و بیشتر این مفاهیم تحت‌تأثیر ارزش‌های معنوی و دینی شکل گرفته و فضاهایی ارزشمند را جهت حضورپذیری و تعاملات اجتماعی ایجاد کرده‌اند؛ ویژگی‌هایی که امروزه در فضاهای شهری مدرن و به خصوص میداین شهری کم‌رنگ شده و یا به کلی از بین رفته و منجر به کاهش تعاملات اجتماعی شده است. کنکاش در معیارهای گذشته که منجر به ایجاد معنامحوری و معنویت در فضاهای شهری شده‌اند بسیار حیاتی و مهم است بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش را می‌توان این‌گونه بیان کرد: عدم شناخت و به‌کارگیری ویژگی‌های میداین سنتی و فضاهای معنامحور در میداین امروزی منجر به کاهش سطح تعاملات اجتماعی شده است؛ لذا هدف اصلی این پژوهش بررسی ویژگی‌های میداین سنتی و شناسایی معیارهای تحلیل معناشناسانه در فضاهای شهری به منظور ارتقای سطح تعاملات اجتماعی است.

مقاله حاضر با استفاده از تحلیل و آنالیز ادبیات موضوع گسترده در قالب مقاله‌ای تحلیلی درنهایت به ارائه شاکله مبانی نظری تحقیق پرداخته است. با عنایت به این مهم که تحقیق مورد نظر کیفی است، در ادامه با انجام مطالعات میدانی از طریق تکنیک کمی پرسشنامه به مقایسه چارچوب نظری مستخرج از ادبیات موضوع و اطلاعات جمع‌آوری‌شده از طریق پرسشنامه در جهت تأیید اعتبار آن اقدام شده است. به عبارت دیگر این پژوهش با رویکردی تحلیلی و چندبعدی ویژگی‌های کالبدی - فضایی، عملکردی و اجتماعی میداین سنتی را مورد بررسی قرار داده و به تحلیل معناشناسانه فضای شهری می‌پردازد و با استخراج معیارهای تحلیل معنامحوری در

فضای شهری تأثیر این معیارها را بر تعاملات اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌دهد. نتایج به‌دست‌آمده می‌تواند منجر به ارائه پیشنهادهای مناسب جهت ایجاد فضاهای تعاملی در میدان امروزین شود.

مبانی نظری

مفهوم فضای شهری و فضای شهری میدان

مفهوم فضای شهری و انواع آن

فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها و به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی‌اند، یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند (Rogers, 2003: 118). کل کوهن واژه فضای شهری را به دو گونه تعریف می‌کند: فضای اجتماعی و فضای ساخته‌شده و مصنوعی؛ بنابراین فضای شهری را می‌توان بستری محاط‌شده به وسیله عناصر شهری دانست که در آن روابط و فعالیت‌های اجتماعی متبلور شده و شکل می‌یابند (حبیبی، ۱۳۷۵). فضای شهری بیش از هر فضای دیگری در شهر، عرصه اعمال متقابل اجتماعی، غلبه هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی بوده و در یک کلام فضای شهری بستر حیات مدنی جامعه است (طیبیان، ۱۳۷۹: ۳۸)، بر این اساس حیاتی است که فضای شهری را در بستری اجتماعی - مکانی ببینیم، یعنی فضای فیزیکی با معانی اجتماعی و روان‌شناختی‌اش (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۳۳۰). تعاملات اجتماعی شرط اصلی و ضروری ظهور یک فضا به عنوان فضای شهری است (نقی‌زاده، ۱۳۸۹). راب کریر، فضاهای شهری را عمدتاً در دو دسته «خیابان» و «میدان» می‌داند (کریر، ۱۳۷۵). ریچارد راجرز فضاهای شهری را خیابان‌ها، میدان و سایر مسیرهایی که دیگران حق عبور از آنها را دارند و سایر فضاهایی که دسترسی در آنها آزاد بوده برمی‌شمرد. جهان‌شاه پاکزاد فضاهای شهری را به ۵ دسته ورودی، میدان‌ها، فلکه‌ها، مسیرها، لبه آب و پله تقسیم کرده است (پاکزاد، ۱۳۸۵). ترانسیک در کتاب «سه تئوری از فضاهای شهری» مهم‌ترین فضاهای شهری را شبکه خیابان‌ها و میدان ذکر می‌کند (Trancik, 1986: 313).

فضای شهری میدان

میدان، محلی است که شهروندان برای گذراندن اوقات فراغت و دیدن یکدیگر به آنجا می‌روند، مکانی است با مقیاس انسانی و متناسب با رفتارها و ادراکات شخصی پیاده و در واقع جایی است که شکل‌دهنده بیشترین

خاطرات جمعی ماست (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۶) میادین از نخستین فضاهای شهری به‌شمار می‌روند. تجمع‌پذیری در میدان علاوه بر تبلور در امکان جمع شدن شهروندان به جذب فعالیت‌های مختلف در فضا نیز وابسته بوده است. فضای میدان باید دارای هویت ویژه باشد تا بتواند خود را از فضاهای اطراف منفک کند (پورجعفر، ۱۳۸۸). میادین در شکل‌ها و اندازه‌های متفاوتی ساخته می‌شوند. این نوع از فضا می‌تواند در قالب میدانچه‌ها، جلوخان‌ها، سیرک‌ها و... متبلور شود. میادین را غالباً فضاهای ایستای شهری می‌نامند که می‌توانند در دو نوع رسمی و غیررسمی فعالیت کنند.

کارکردهای میدان‌های شهری

کارکرد میدان یا نقشی که یک میدان در فضای شهری ایفا می‌کند با یک یا چند علت ویژه، در یک برهه از زمان پدیدار می‌شود و ممکن است با تقویت آن نقش، کارکرد خاص میدان تثبیت گردد و در اذهان عمومی و خاطرات مردم نام میدان با آن کارکرد عجین شود (بدری و رفیعیان، ۱۳۷۰: ۱۸). اصلی‌ترین کارکردهای میدان به عنوان یک فضای شهری شامل کارکردهای اداری - سیاسی، تجاری - خدماتی، ارتباطی، فرهنگی - هنری، مذهبی و تفریحی - ورزشی است (بردی آنا مرادزاد، ۱۳۹۰).

ویژگی‌های عام میدان در شهر ایرانی - اسلامی

ویژگی‌های عملکردی

تعریف فضای شهری میدان در ارتباط با ویژگی‌های سنتی در شهرهای ایرانی با تغییراتی مختصر تا ظهور تجدد در ایران دوام یافته است. میادین سنتی، محلی برای انجام مراسم نظامی و قدرت‌نمایی حکومت‌های وقت بوده‌اند. آن‌ها در یک یا چند ضلع خود بناهای حکومتی چون قصر و دارالاماره یا ساختمان‌های مذهبی چون مسجد و تکیه را جا می‌دادند (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۲). این میادین [از گذشته تا کنون] با تعریف عملکردهایی چندگانه، به القای ارزش‌ها و کنترل رفتار استفاده‌کنندگان پرداخته و به هویت‌بخشی و افزایش تعلق خاطر ساکنین کمک کرده‌اند به عنوان مثال میدان نقش‌جهان با تعریف فضاهای مذهبی و تجاری به خوبی توانسته است به پالایش ذهن و القای ارزش‌های دینی و اخلاقی به خصوص در کسب‌وکار و افزایش تعاملات اجتماعی بپردازد. این فضای شهری مهم در بعد اجتماعی گردهمایی‌ها، مراسم و اعیاد به واسطه وجود مساجد و تکایا و...

سبب حضورپذیری مردم شده است. از طرفی فضاهای تجاری موجود در میدان که امتداد آن در بازار قرار دارد یادآور ارزش‌های تجاری و اقتصادی فضا است (فلامکی، ۱۳۷۱). به‌طور کلی فضای کالبدی میداین سنتی کاملاً معنامحور و هدفمند طراحی شده‌اند.

ویژگی‌های کالبدی فضایی

ارزش‌های کالبدی فضایی موجود در میداین به سبب معماری و شهرسازی برخاسته از مکاتب و سبک‌های شهرسازی ایران (سبک خراسانی، مکتب اصفهان و...) مانند محصوریت، جداره‌ها، مقیاس فضا و... سبب تقویت حس مکان در میداین سنتی شده و فضاهایی ارزشمند را جهت حضورپذیری و تعاملات اجتماعی ایجاد کرده‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۸۰: ۸۲). براساس ویژگی‌های عام فضاهای شهری سنتی مهم‌ترین ویژگی‌های میداین سنتی را می‌توان: ایجاد سلسله مراتب فضایی، مقیاس انسانی، عملکرد ویژه، تقویت تعاملات اجتماعی، آرامش‌بخشی و افزایش اعتماد اجتماعی دانست. ویژگی‌های فوق زمینه مناسبی را جهت القای معانی، ارزش‌ها، آیین‌ها و فرهنگ‌های یک جامعه در راستای تقویت روابط فردی و گروهی در شهر (که نتیجه آن در ارتقای سطح تعاملات اجتماعی و حیات شهری مؤثر است) ایجاد کرده‌اند.

عملکردهای اجتماعی میداین شهری سنتی

همان‌طور که گفته شد میداین کارکردهای متفاوتی را در دوره‌های مختلف تاریخی می‌پذیرند (مانند عملکردهای مذهبی، تجاری، حکومتی و...). از میان این کارکردها بارزترین کارکردی که تبعات و اثرات فرهنگی و اجتماعی داشته، کارکرد مذهبی میداین بوده است. بسیاری از میداین به دلایلی عدیده‌ای صیغه مذهبی داشته‌اند از جمله این که (نقی‌زاده، ۱۳۸۵):

- در بسیاری شهرها میداین یا فضاهای باز شهری، حسینیه یا تکیه نامیده شده و فضایی برای برپایی آیین‌های عزاداری و آیین‌های مذهبی بوده‌اند.
- مجاورت بسیاری میداین با عناصر مذهبی شهر همچون مسجد، حسینیه، خانقاه، زیارتگاه و... جلوه‌ای مذهبی و به تبع آن ارزشی فرهنگی به آن‌ها می‌داده است.
- وجود عناصر وقفی (به دلیل منشأ مذهبی وقف) در کنار میداین همواره یادآور ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی منبعث از مذهب بوده‌اند (عناصری چون آب‌انبارها، مدارس، کاروانسراها، بازارچه‌ها و...).

عملکردهای دیگر نیز عموماً واجد یا مقوم صبغه اجتماعی میداین بوده‌اند به عنوان مثال برپایی مراسم ورزشی چوگان در میدان نقش‌جهان یا اعلام دستورات حکومتی در میداین دیگر سبب حضورپذیری مردم در آن‌ها می‌شد. البته علت اصلی این موضوع در تشابه و همبستگی ماهیت کارکردهای میدان با عملکرد اجتماعی است. این ویژگی‌ها منجر به شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، اعتماد، همبستگی، مشارکت و شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی در این فضاها می‌شود.



نمودار ۱. دیاگرام تحلیلی ویژگی‌های عام کالبدی - فضایی، عملکردی و نتایج مهم آن در میدان در شهرهای ایرانی - اسلامی

براساس آنچه گفته شد مشخص می‌شود ویژگی‌های کالبدی، عملکردی و اجتماعی در میداین شهری سنتی به طور ملموسی معنامحور بوده‌اند و بیشتر این مفاهیم تحت‌تأثیر ارزش‌های معنوی و دینی شکل گرفته‌اند. در این کنکاش معیارهایی که منجر به ایجاد هویتی چنین معنامحور و معنوی در فضاهای شهری میداین شده بسیار مهم است. در تبیین این مطلب به معرفی مفاهیم مرتبط با معنا و تحلیل‌های معناشناسانه از منظر شهرسازی اسلامی در فضاهای شهری می‌پردازیم.

مفهوم معنا و تحلیل معناشناسانه در فضاهای شهری

مفهوم معنا در شهرسازی

در رویکرد زبان‌شناسان به معنی، شهرسازان الگوهای شهری را به زبان بصری تشبیه کرده و تلاش نموده‌اند ساختار زبان را با ساختار شهر تطبیق دهند و بحث معنی، قواعد و نحو و کلمات را عنوان کنند. بناها، کلمات و نشانه‌هایی هستند که جمله یا شهر را می‌سازند معنا کلیه ذهنیت‌هایی است که یک محرک برای ناظر به وجود می‌آورد، زمانی که آن را با تجربیات خود، اهداف و منظورهایش مقایسه می‌کند. باید توجه داشت که خلق معنا فرایندی منفعل نیست که ذهن اطلاعات حسی را بگیرد و آن را براساس قوانین تداعی معنی به هم متصل کند، بلکه فرایندی فعال و خلاق است. در این فرایند، عین و ذهن یک واحد را تشکیل می‌دهند و ذهن جهانی را می‌آفریند که در فرایند ادراک حس می‌کند. به عبارتی همان‌طور که قوه بینایی به نور وابسته است، یک اندیشه در ذهن نیز به طبیعت و محیط وابسته است به عبارتی معنا هم مولود واقعیت مادی و هم زاده ذهن شناساست (حبیب، ۱۳۸۵). ما در تحلیل‌مان از شهر به دنبال معنا هستیم، چراکه این معناست که زندگی را می‌آفریند (بارت، ۱۳۸۲: ۵۳). معنی‌دار بودن محیط شهری بیشتر مشخصه‌ای کیفی است که تأویل آن نیاز به مرور محتوی دارد. امروزه موضوع معنی یا به عبارت بهتر، مطرح کردن معنی به عنوان معیاری برای ارزیابی یک شهر (به‌ویژه شهر خوب) مورد استفاده و استناد قرار می‌گیرد. از جمله لینچ، معنی را به عنوان معیاری برای شهر خوب معرفی می‌نماید (لینچ، ۱۳۸۵) و منظور او میزان وضوح ادراک شهروندان از شهر است. در این رابطه باید گفت که معیار معنی با معیارهای دیگری از قبیل خوانایی و قابلیت تصور ارتباط تنگاتنگی دارد. در واقع در معناشناسی، شکل شهر تفسیر می‌شود (ماجدی، ۱۳۸۹) به گمان راپاپورت معنا را می‌توان در سه سطح طبقه‌بندی کرد: ۱. سطح بالای معنا که با معانی مرتبط با طرحواره‌های شناختی، جهان‌بینی‌ها و سیستم‌های فلسفی و... مرتبط است. ۲. سطح میانی که معانی همچون هویت، موقعیت، توانگری، قدرت و... و در سطحی انتزاعی‌تر زمینه‌های ابزاری همچون فعالیت‌ها، رفتارها و چیدمان‌ها را دربر می‌گیرد. ۳. و سرانجام سطح پایین معنا که شامل معانی ابزاری، نشانه‌های مادی برای تعیین کاربردهای هر یک از چیدمان‌ها و بنابراین بیان‌کننده موقعیت اجتماعی، رفتارهای مورد انتظار، حریم خصوصی، میزان نفوذ و... می‌شود (راپاپورت، ۱۳۸۴).

مفهوم معنا در شهرسازی اسلامی

واژه معنی در زبان فارسی، هم به معنی اشاره دارد و هم بر معنویت دلالت دارد. به این ترتیب بحث معنا و معنی یک موضوع (مثل معنای یک فضای شهری)، به‌ویژه اگر معنویت نیز به عنوان وجهی از معنا مدنظر قرار گیرد، در طیفی وسیع و تحت عناوین متنوعی قابل طرح و بررسی است (نقی‌زاده، ۱۳۸۹). در سیره اسلامی اگر معنای پدیده‌ای با معنویت همراه باشد و برای انسان قابل درک باشد بر ارزش و زیبایی آن چیز افزوده می‌شود و بی‌توجهی به معنا و معنویت در پدیده آن را به‌مثابه مدی زودگذر که نشانه بی‌هویتی است نمایان می‌سازد. معنادار بودن هر چیزی در طیف وسیعی از ساده‌ترین معنی متصور برای آن تا معانی معنوی نمادین و چندلایه قابل طبقه‌بندی است. شهرسازی اسلامی - ایرانی از دیرباز به نحو مطلوبی به معنای حقیقی خویش، یا به عبارتی بهتر به معانی و عالم معنا اشاره کرده است و ضمن متذکر نمودن انسان به معانی او را از تک‌بعدی شدن و از تمرکز بر یک عالم می‌رهاند (الیاده، ۱۳۷۵). بارزترین حضور معنا و معنویت در معماری، نقش کلام الهی به صورت خطوط و علائم هندسی و فرم‌های استایلیزه‌شده در مساجد، سردر خانه‌ها و اماکن بسیار دیگر و استفاده از سطوح آجری یک‌دست است. عنایت به مفهوم «عالم همه منظر اوست» و حذر کردن از ایجاد نقطه‌گریز دید و عدم توجه تام و تمام به یک نقطه (عالم)، از مهم‌ترین این موارد می‌باشد (حبیبی، ۱۳۷۷). بنابراین مفهوم معنا و معنویت در معماری و شهرسازی اسلامی کاملاً در هم آمیخته و مفهومی کمابیش یکسان دارند. محیط زندگی باید علاوه بر پاسخ‌گویی به وجه حیات مادی واجد معنای معنوی نیز باشند. با توجه به این که تحلیل یک موضوع به شناخت همه موارد مرتبط با آن موضوع می‌انجامد در ادامه به چگونگی تحلیل معنا از منظر معماری و شهرسازی اسلامی در فضای شهری می‌پردازیم.

تحلیل معناسناسانه در فضاهای شهری

تحلیل در فلسفه در برابر ترکیب و به معنای تجزیه کردن چیزی برای رسیدن به عناصر بسیط آن است. در تحلیل معناسناسانه فضای شهری، کلیت فضا به عنوان یک واحد دارای معنایی فراتر از مجموعه معنای تک‌تک عناصر و اجزای خویش است و هر پدیده‌ای دارای دو گروه معنای ظاهری و باطنی، حقیقی و مجازی، مادی و معنوی یا صریح و ضمنی است. برای فراهم آمدن زمینه تحلیل معنایی فضا لازم است موضوعات ذیل مورد توجه و امان نظر قرار گیرند (نقی‌زاده، ۱۳۸۹): آگاهی از مراتب معنی، طبقه‌بندی معانی عناصر، آگاهی از معانی

عناصر و اشکال و مصالح در فرهنگ خودی و بومی، معانی عناصر و اشکال و مصالح در سایر فرهنگ‌ها، فرایند شکل‌گیری معانی عناصر و اشکال و مصالح و تعدد و تکرر عناصر واجد معنی. به این ترتیب موضوعات اصلی این شیوه از تحلیل تحت سه عنوان بررسی خواهند شد که عبارت‌اند از: ۱. اجزای (یا مراتب) تحلیل معناشناسانه؛ ۲. مراتب و مصادیق معنا؛ ۳. معیارهایی برای تحلیل معنایی فضای شهری.

اجزای (مراتب) تحلیل معناشناسانه

الف) تحلیل نشانه‌شناسانه

انسان در میان تمامی موجودات گونه‌ای است که به‌شدت میل به معناسازی دارد و معنا را از طریق تولید و تفسیر نشانه‌ها به وجود می‌آورد. درک نشانه‌ها به طور کاملاً ناخودآگاه از طریق ارتباط دادن آن‌ها با نظام‌های آشنایی از هنجارها و قراردادهای اجتماعی تحقق می‌یابد. این استفاده معنادار از نشانه است که در کانون اهمیت نشانه‌شناسی قرار دارد (چندلر، ۱۳۸۶: ۴۵). نشانه‌ها و نمادها اصلی‌ترین عواملی هستند که در تحلیل معناشناسانه شهر ایفای نقش می‌کنند. از بارزترین شیوه‌های تحلیل معناشناسانه، تحلیل نشانه‌شناسی است که کاملاً در قالب تحلیل معناشناسانه و به عنوان یکی از اجزا و شعبه‌های آن قابل بررسی است. این انتساب و هماهنگی و هم‌خوانی نیز به واژه معنا و نشانه برمی‌گردد که به نوعی به یکدیگر گواهی می‌دهند. به این ترتیب که هم معنی در روند وضوح خویش بی‌گمان از نشانه‌ها بهره می‌گیرد و هم اینکه هر نشانه‌ای به‌هرحال خویش را از طریق معنایی مطرح می‌کند (پورنامداریان، ۱۳۶۸). کشف معنا از طریق بازشناسی نظام‌های نشانه‌ای صورت می‌گیرد و معنای نشانه به رمز یا رمزگانی که در آن قرار گرفته بستگی دارد. انواع رمزگان‌ها در قالب علمی (منطقی) (نظام‌های علامتی، قوانین و...)، اجتماعی (مراسم، آیین‌ها، بازی‌ها و...) و زیبایی‌شناختی (هنر، ادبیات، معماری و...) قابل تفکیک‌اند و تمایزات و نیز وجوه اشتراکی دارند (Danesi, 2007). شهر تجلی حالات اهل خویش است؛ شهر و فضای شهری نشانه اهل خویش‌اند و بر باورها و عقاید و آرمان‌های آن‌ها دلالت دارند. طبقات و مصادیق نشانه‌ها در فضاها شهری که می‌توانند به عنوان زمینه‌ها و معیارهای تحلیل معناشناسانه فضاها شهری و طبقه‌بندی آن‌ها قرار گیرند عبارت‌اند از (نقی‌زاده، ۱۳۸۹):

- نشانه‌های قراردادی: پدیده‌ها و موضوعاتی که به عنوان یادآور و بیانگر موضوع یا مفهومی خاص

بین تعداد اندک یا گروه بسیاری از انسان‌ها یا جوامع قرار دارند. مانند خط نوشتاری یا علائم راهنمایی رانندگی.

- نشانه‌های مفهومی: نسبت به نشانه‌های قراردادی از مرتبه بالاتری برخوردارند و عمومیت آن‌ها نیز نسبت به نشانه‌های قراردادی بیشتر است. نمونه این نشانه‌ها ویژگی‌های فطری پدیده‌ها مانند دود و طراوت است که به ترتیب نشانه‌های آتش و آب‌اند.
- نشانه‌های ازلی: نشانه‌هایی که به دلیل ماهیت خود نزد جملگی جوامع و تمدن‌ها به انحاء مختلف شناخته شده‌اند؛ مانند نور که نشانه علم و آگاهی است.
- نشانه‌های فطری: نشانه‌هایی که ادیان الهی برای اثبات وجود خالق هستی به آن‌ها استناد می‌کنند.
- نشانه‌های تاریخی: اصلی‌ترین عواملی که در فضای شهری به عنوان واجد معنا، کاربردی چندجانبه و هویت‌بخش دارند. به عنوان مثال کالبد سی‌وسه پل یک نشانه تاریخی است.
- نشانه‌های یادآور (خاطره‌انگیز): علاوه بر اینکه نشانه‌های تاریخی را در خود مستتر دارند شامل نشانه‌هایی نیز می‌شوند که مدام در حال شکل گرفتن و همه‌گیر شدن هستند.

(ب) تحلیل هنرشناسانه

تحلیل هنرشناسانه، دومین نوع تحلیلی است که در قالب تحلیل معناشناسانه قابل طرح است. این شیوه تحلیل شامل دو قلمرو می‌شود: قلمرو هنرمندانه آثار معماری تعریف‌کننده و محاط‌کننده فضا و دیگری آثار هنری موجود در میانه فضا یا بدنه و سطوح آن (نقی‌زاده، ۱۳۸۹).

مراتب و مصادیق معنا

اکثر موضوعات و پدیده‌ها در طیفی قرار می‌گیرند که یک سر آن، مصادیق الهی و معنوی و یک سوی آن، جایگاه شیطان و دنیای مادی است. برای معنا نیز این طیف قابل تصور است ولی به جهت بار مثبت معنا و هم‌ارزی آن با معنویت در زبان فارسی در اینجا نیز وجه مثبت و حداقل خنثای آن در نظر گرفته می‌شود. در بیان مراتب و مصادیق معنا باید گفت عنصر واجد معنا باید در فضا حضور داشته باشد و بر سایر عناصر تأثیر گذارد و حتی به آن‌ها نیز معنا بخشد. حضور یک عنصر معنادار در فضای شهری، گاهی مکان استقرار عنصر (یا عناصری) در یک فضا و نسبت به رابطه‌شان با عناصر دیگر موجود در فضا می‌تواند به وجود معنویتی خاص

گواهی دهد. به عنوان مثال در بسیاری از جوامع و تمدن‌ها، مکان‌ها یا جهت‌های خاصی از فضاها واجد ارزش و معنای معنوی بوده و معمولاً عنصر شاخصی در آن جهت قرار گرفته است. یکی دیگر از ویژگی‌های اصلی و مهم فضا جهت خاص آن است؛ این جهت با توجه به میانی فکری و فرهنگی جامعه تعیین و تعریف می‌شود. به عنوان مثال در میان مسیحیان جهت شرق دارای معنا و ارزش معنوی است (نقی‌زاده، ۱۳۸۹).

معیارهایی برای تحلیل معنایی فضای شهری

تحلیل معنایی فضای شهری همانند تمامی انواع تحلیل‌ها نیازمند در دسترس بودن معیارهایی است. اهم اجزای یک فضای شهری که می‌توان برای شناخت معنایشان آن‌ها را بازشناخت عبارت‌اند از: مصالح، رنگ، ارتفاع، عناصر طبیعی، مبلمان شهری، عملکردها، نورپردازی، عناصر مذهبی، اشکال (هندسی)، نشانه‌ها، نمادها، فرم‌ها و آثار هنری. این معیارها موضوعاتی هستند که توجه به معنای مستفاد از آن‌ها و معنای رایج از آن‌ها در میان مردم، در تحلیل معناشناسانه فضای شهری نقش اول را ایفا می‌کند. در زیر به معرفی مهم‌ترین معیارهای تحلیل معناشناسانه می‌پردازیم (نقی‌زاده، ۱۳۸۹):

نشانه‌ها: توجه به حفظ نشانه‌های تاریخی و خاطره‌انگیز و به‌کارگیری نشانه‌هایی که از جان و باور مردم سرچشمه می‌گیرند و نشانگر معنا و معنویت در فضای شهری‌اند.

مصالح: مصالح مصرف‌شده در فضای شهری، معنا یا طیفی از معانی را به ناظر القا می‌کنند. استفاده از مصالح بومی احساس تداوم کالبدی و هنری و پیوستگی با تاریخ را القا می‌کند.

رنگ: کاربرد رنگ در فضای شهری به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. رنگ بدنه و کف؛ ۲. رنگ مبلمان و

الحاقت

۳. رنگ عناصر طبیعی. به دلیل گستردگی مباحث مرتبط با معنا و معنای نمادین رنگ، به ذکر مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:

- توجه به رابطه رنگ یک موضوع با زمینه آن و توجه به کاربرد رنگ طبیعی مصالح
- توجه به ایجاد تعادل، تضاد، تنوع، وحدت و هماهنگی در فضا توسط رنگ‌ها
- استفاده از رنگ‌های هم‌خانواده به منظور ایجاد ملایمت و رنگ‌های مکمل به منظور ایجاد جذابیت
- توجه به تأثیرات روانی رنگ‌ها (رنگ سفید برای ایجاد وسعت، پاکی و آرامش، رنگ قرمز برای ایجا

هیجان و سرزندگی، رنگ سبز برای ایجاد آرامش و...

- توجه به استفاده از رنگ‌ها برای آیین‌ها، مراسم و اماکن مقدس

عناصر طبیعی: یکی از اصلی‌ترین عناصری است که می‌تواند در میزان و مرتبه زیبایی فضاهای شهری ایفای نقش کند. توجه به کاربرد صحیح این عناصر در ترکیب با عناصر معماری و عملکردها اهمیت بالایی در انتقال معانی دارد.

مبلمان شهری: مبلمان شهری از عناصر مهمی است که ضمن ارتقای امکان استفاده از فضای شهری، در زیباسازی آن نیز ایفای نقش می‌کند. مبلمان شهری می‌تواند در نمایش سیر تحولات و سابقه تاریخی فضا، تقویت خاطره‌های جمعی و ادراک فضا مؤثر باشد.

نورپردازی: نورپردازی فضاهای شهری واجد ارزش و اهمیت بوده و به عنوان یک عامل زیباسازی و جاذبه عمومی شناخته می‌شود. توجه به نورپردازی شب به وسیله نور مصنوعی و استفاده از نور روز در نمایش جلوه‌ها و معانی مختلف فضا بسیار تأثیرگذار است.

آثار هنری: تمامی هنرها کم‌وبیش بر شکل‌گیری و خلق فضا تأثیر گزارند. از نتایج مهم مترتب بر هنرها، تجلی زیبایی است. مضافاً این که اصلی‌ترین جلوه زیبایی، زیبایی معنوی و کیفی است؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین مشخصات فضای مطلوب ظهور زیبایی کیفی و معنوی است. آثار هنری در فضاهای شهری مشتمل بر مجسمه‌ها، تندیس‌ها، آثار حجمی، فرسک‌ها، تابلوسرامیک‌ها، نقاشی‌ها و حتی برخی مبلمان شهری است (اعوانی، ۱۳۷۵).

تنوع عملکردی: وجود تنوع و گوناگونی در عملکردهای موجود در فضای شهری در ارتقای مطلوبیت و جذابیت و زیبایی آن نقش مؤثری دارد. عملکردهای یک فضای شهری، معنای خاصی از زندگی جمعی و رفتارها را به حاضران و ناظران القا می‌کنند که می‌تواند طیفی از معانی مادی و معنوی را شامل شود. باید توجه داشت که تنوع، به تضاد (از نظر زیبایی شکل و عملکرد و استفاده‌کنندگان) تبدیل نشود.

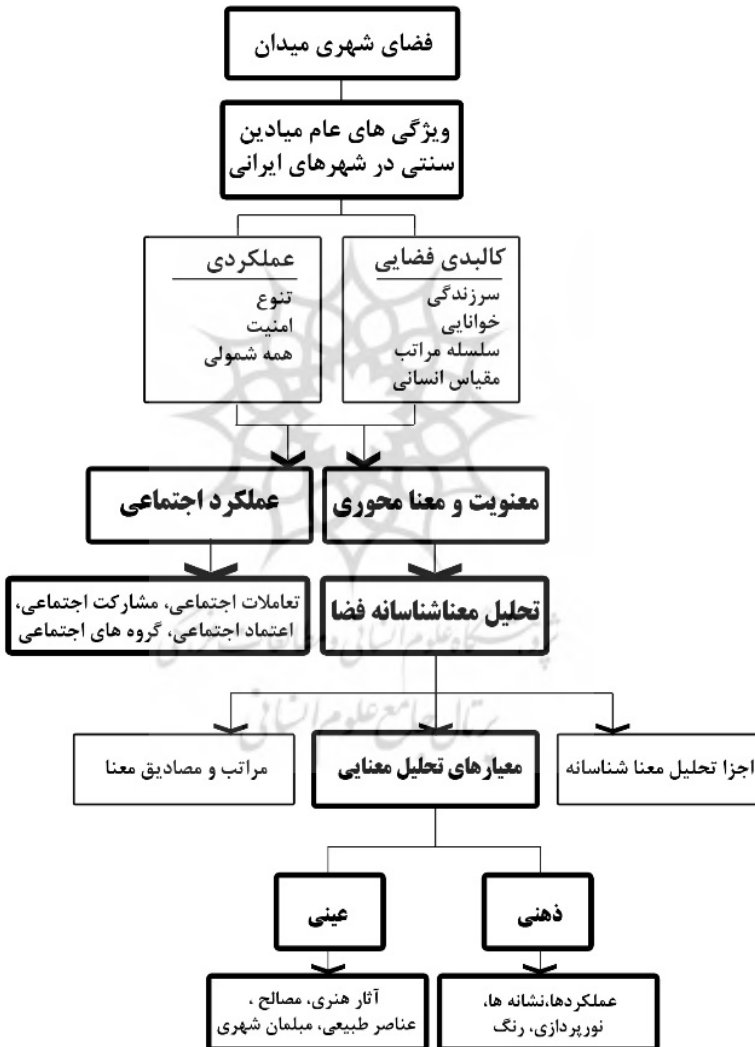
نقش اجتماعی میداین و معنامحوری در میداین امروزمین

همان‌طور که گفته شد میداین شهری سنتی در گذشته واجد ویژگی‌ها و هویتی خاص در زمینه‌های مختلف کالبدی و عملکردی و معنایی بوده‌اند. ویژگی‌هایی که بر پایه معنامحوری یا به عبارت بهتر معنویت‌محوری

توانسته بودند میزان حضورپذیری و تعاملات اجتماعی را افزایش دهند. این ویژگی‌ها به مرور زمان دستخوش تغییرات بسیاری شده‌اند. در طی سال‌های اخیر فرم‌ها و عملکردهای میداین شهرهای ما در برابر تغییرات و تحولات سریع و مخرب ناشی از ورود خودروی شخصی به شدت تغییر کرده است، این در حالی است که معنای آن‌ها در ذهن شهروندان ما کماکان پابرجاست و رفتارهای ناشی از این موضوع نیز همچنان به صورت عادی باقی مانده است و ناخودآگاه مورد تقلید دیگران قرار می‌گیرد (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۴۰). عدم هماهنگی فرم، عملکرد و معنای میداین باعث مشکلات بسیاری شده است. امروزه تقریباً هیچ اصل معناشناختی و زیبایی‌شناسانه‌ای در شکل دادن فضای میدان‌ها مراعات نمی‌شود. عموماً هیچ هماهنگی منطقی و اندیشه‌ای بین عملکردها، تناسبات بصری، شکل‌ها و مصالح یک میدان وجود ندارد. اغلب مواقع میدان در اختیار ماشین قرار می‌گیرد. تقریباً هیچ‌گونه آرامش روانی و فیزیولوژیکی به انسان القا نمی‌شود (شولتز، ۱۳۸۱). درکی که اکنون از میدان وجود دارد همانی است که در ذهن همگان و به طور یکسان از تقاطع چند خیابان که فضایی میان آن برای تفکیک حرکت سواره پدید آمده و با ترکیبی از پوشش گیاهی و آب‌نما شکل می‌گیرد و هیچ ارتباط معقولی با انسان، حرکت انسانی و حضور معنی‌دار انسان برقرار نمی‌سازد (نظری، ۱۳۹۰). مهم‌ترین عوامل کاهش معنامحوری در میداین امروزی عبارت‌اند از:

- حذف ارزش‌های بومی اجتماعی و فرهنگی
 - تغییر در الگوهای فرهنگی جامعه و شیوه برگزاری مراسم و آیین‌ها
 - در اولویت قرار دادن طرح‌های ترافیکی و بی‌توجهی به نیازهای پیاده
 - افت ارزش‌های کالبدی و بصری
 - بی‌توجهی به آموزه‌های دینی و اسلامی در طرح‌های شهری
 - آلودگی‌های زیست‌محیطی
 - بی‌توجهی به نمادها، نشانه‌ها و ارزش‌های ملی و مذهبی در طرح‌های شهری
 - توجه بیش از حد به تفکرات غربی و ایجاد فضاهای تقلیدی مادی‌گرایانه
- مؤلفه‌های میداین شهری سنتی براساس معنامحوری و معنویت اسلامی شکل گرفته‌اند. با توجه به آنچه گفته شد تحلیل معناشناسانه بر پایه یافته‌های حاصل از مؤلفه‌های میداین سنتی در قالب شیوه‌های تحلیل

نشانه‌شناسی، زیبایی‌شناسی و مراتب و مصادیق معنا و معیارهای تحلیل صورت می‌گیرد. با توجه به گستردگی شیوه‌های فوق و با توجه به هدف اصلی پژوهش، تحلیل معناسناسانه در میدان مورد مطالعه با استفاده از معیارهای تحلیل معنا در فضای شهری صورت می‌گیرد. معیارهای مطرح‌شده تحت مؤلفه‌های عینی و ذهنی تقسیم‌بندی شده‌اند. بر این اساس چارچوب نظری تحقیق را می‌توان به صورت زیر متصور بود.



نمودار ۲. دیاگرام تحلیلی چارچوب نظری پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، به روش ترکیبی^۱ انجام شده و منابع گردآوری اطلاعات در آن عبارت‌اند از: منابع کتابخانه‌ای کتابخانه‌ای (مبانی نظری)، منابع انسانی (شهروندان) و منابع کالبدی - فضایی (مشاهده) که جهت این امر از تکنیک‌های چندگانه مشاهده برنامه‌ریزی شده غیرمشارکتی و پرسشنامه از نوع سؤالات بسته استفاده شده است. از تکنیک‌ها و روش‌های زیر به منظور بررسی و تحلیل معنا و تعاملات اجتماعی استفاده شده است:

تکنیک چیدمان فضایی^۲

این تکنیک یکی از تکنیک‌های مفید شهرسازی برای درک پیچیدگی و رابطه فضایی و عملکردی شهر است. به منظور بررسی و سنجش صحیح روابط میان عناصر کالبدی فضایی، فعالیت‌ها و فرآیندهای اجتماعی می‌توان از این تکنیک استفاده کرد. تکنیک فوق براساس روابط فضایی و الگوهای رفتاری (تردد در فضاها) موجود در شهر و بر پایه میزان دید و دسترسی به تحلیل ساختار فضا می‌پردازد (عباس‌زادگان، ۱۳۸۱) از این تحلیل به منظور محاسبه زمینه دید^۳ نشانه‌ها و میزان دیده شدن فضای عمومی میدان توسط خطوط محوری^۴ محوری^۴ استفاده شده است.

تحلیل عاملی لیزرل

به‌طورکلی به منظور تحلیل داده‌ها از روش آماری توصیفی - تحلیلی و استنباطی استفاده شده است. براساس این روش، اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت جدول‌های توزیع فراوانی، پارامترهای آماری در توزیع کیفی و نمودارها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. همچنین با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و LISREL سعی در بررسی و شناخت روابط بین متغیرها به کمک تحلیل عاملی^۵ شده است و در نهایت با استفاده از رگرسیون یا (Q-square) در جهت رتبه‌بندی و شناخت میزان تأثیرگذاری نهایی هرکدام از معیارهای زیبایی‌شناسانه فضا شهری (متغیر مستقل) بر تعاملات اجتماعی (متغیر وابسته) از دید جامعه آماری منتخب اقدام شده است.

1. Mixed-Method

2. Space Syntax

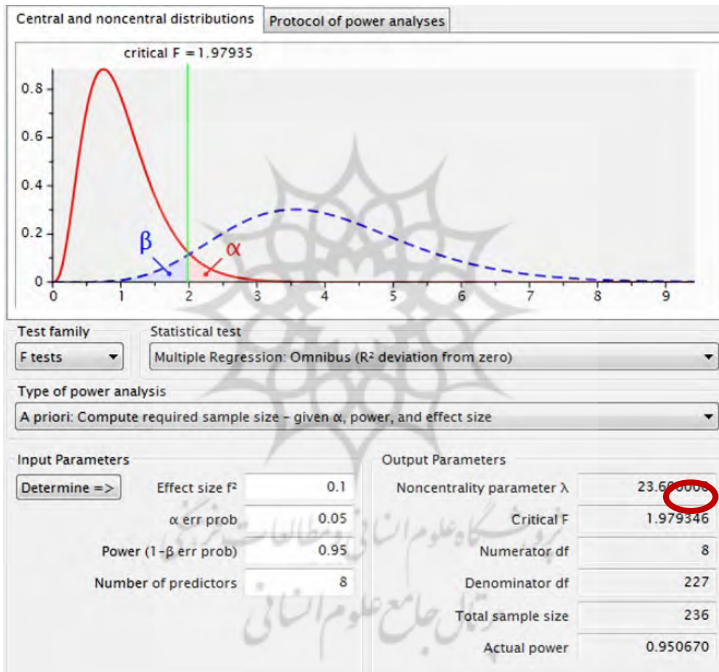
3. ISOVIST

4. Axial Lines

5. Factorial Analysis

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق براساس اهداف پژوهش مخاطبان فضا در نظر گرفته شده است. در این پژوهش با استفاده از تکنیک‌های آماری و نرم‌افزار جی - پاور^۱ به تعیین حجم نمونه پرداختیم که با توجه به محاسبات انجام‌گرفته در رابطه با حجم نمونه با استفاده از تکنیک‌های آماری در نرم‌افزار فوق و به منظور افزایش اعتماد به آمار و داده‌های جمع‌آوری‌شده، تعداد ۲۴۰ عدد پرسشنامه باید در محدوده مورد مطالعه توزیع گردد.



نمودار ۳. تعیین حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار جی پاور

تکنیک‌های شناختی

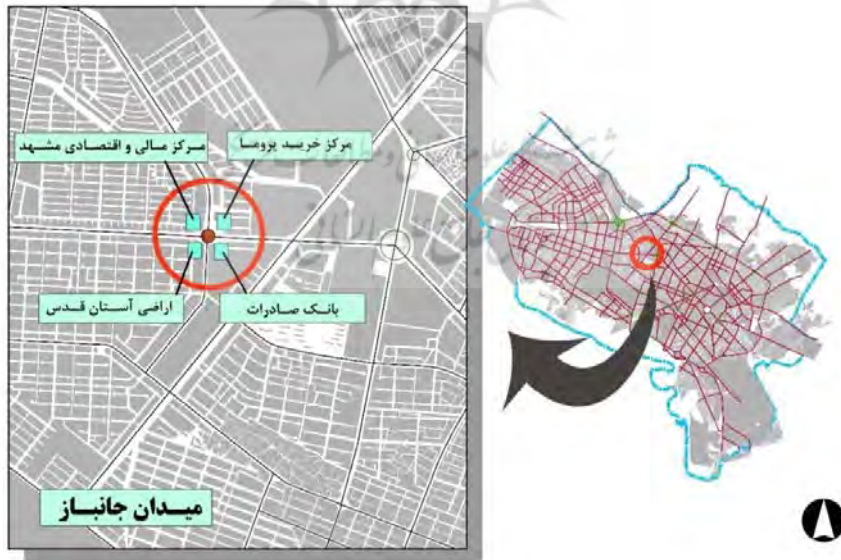
همچنین از تکنیک‌های عکاسی و تصویربرداری و تکنیک‌های مساحی (نقشه) نیز در تحلیل معیارهای معناشناختی استفاده شده است.

^۱. G. Power

بررسی محدوده مطالعاتی

شهر مشهد مرکز مجموعه شهری مشهد و کلان‌شهری در سطح ملی و فراملی است که دارای جمعیت تقریبی دو و نیم میلیون نفر و مساحت ۳۰ هزار هکتار است. این شهر تحت‌تأثیر نقش زیارت و گردشگری به واسطه وجود حرم مطهر امام رضا(ع) بخش اعظمی از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی خود را صورت داده است. در این بین فضاهای عمومی بستر اصلی شکل‌گیری این فعالیت‌ها هستند و براساس تقسیم‌بندی‌های صورت‌گرفته میداین شهری از جمله این فضاها می‌باشند (فرنهاد، ۱۳۸۹). با بررسی‌های صورت‌گرفته از میان میداین موجود در شهر مانند میدان شهدا، احمدآباد، تقی‌آباد، آزادی و جانباز در مقیاس شهر و فراشهری، میدان جانباز فضای منتخب شناخته شد که مهم‌ترین دلایل انتخاب آن عبارت‌اند از: قرارگیری در استخوان‌بندی اصلی کلان‌شهر مشهد؛ فضایی شناخته‌شده و شاخص در نزد شهروندان؛ وجود نشانه‌های شهری در میانه و جداره میدان؛ مراجعه طیف گوناگونی از مخاطبان به این مرکز و ساختار کاملاً مدرن آن.

میدان جانباز در تقاطع دو خیابان مهم فردوسی و جانباز قرار گرفته است. این میدان متشکل از چهار فضای میانی است که عرصه اصلی تردد پیاده می‌باشند. در زیر به تحلیل معیارهای معناشناسانه این میدان می‌پردازیم.



تصویر ۱. موقعیت میدان جانباز در شهر مشهد و عناصر شاخص موجود در میدان

مؤلفه‌های ذهنی

نشانه‌ها: مصادیق نشانه‌های موجود در میدان جانباز (قراردادی، مفهومی، ازلی و...) در تصاویر زیر مشخص‌اند که از میان آن‌ها تنها مجسمه جانباز را می‌توان نمایانگر ویژگی‌های هویتی جامعه دانست. نشانه‌های دیگر فاقد ویژگی‌های معنوی و هویتی بومی و اسلامی‌اند.



تصویر ۳. ساختمان بانک صادرات
کارکرد: عملکردی؛ نوع: خاطره‌انگیز



تصویر ۲. مجسمه میانه میدان جانباز
کارکرد: کالبدی؛ نوع: خاطره‌انگیز - مفهومی



تصویر ۵. ساختمان پاز
کارکرد: عملکردی؛ نوع: خاطره‌انگیز



تصویر ۴. ساختمان پروما
کارکرد: عملکردی؛ نوع: خاطره‌انگیز

تحلیل چیدمان فضایی: سطح دید، میزان دیدی است از یک نقطه قابل دسترس، که از آن یک برش در ارتفاع ناظر و موازی با صفحه زمین به صورت افقی محاسبه می‌شود. سطح دید بازنمایی دو بعدی فضا است (Turner, 2001). با استفاده از این مفهوم میزان دیده شدن نشانه جانباز در میانه میدان مورد تحلیل قرار گرفته است که در آن سطح رنگی فضاهایی هستند که نشانه قابلیت دیده شدن دارد.



- مجسمه جانباز
 ■ فضاهای با قابلیت دیدن مجسمه
 ● درخت
 □ اینیه

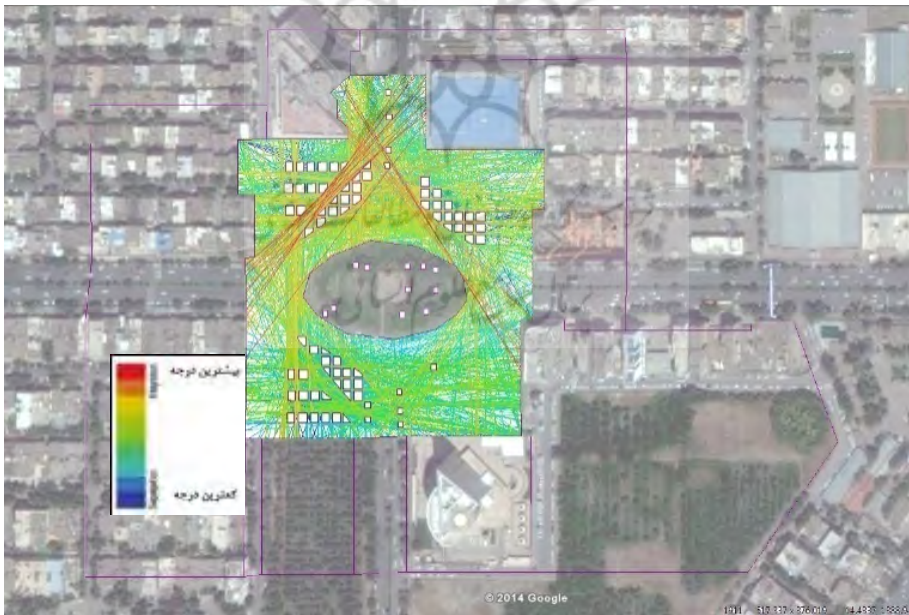
تصویر ۶. تحلیل سطح دید (ISOVIST) المان وسط میدان

وجود درختان در میانه میدان سبب عدم نمایانی نشانه شده‌اند. همان‌طور که مشخص است نشانه موجود علی‌رغم ارزش‌های هویتی بالا تعامل مناسبی با فضای میدان ندارد.



تصویر ۷. درختان، مانعی جهت دیده شدن المان وسط میدان

خطوط دسترسی و دید بازنمایی یک‌بعدی از فضا می‌باشند (Penn, 2003). در این مفهوم میزان دیده شدن فضاها توسط خطوط محوری سنجیده می‌شود که در این تحلیل هم‌پیوندی فضایی^۱ ارتباط مستقیمی با دیده شدن و استفاده از فضا دارد.



تصویر ۸. تحلیل خطوط دید و دسترسی (Axial Map) فضای میدان

^۱. Space Integration

براساس نقشه تمام خطوط دید و دسترسی فضای واقع در شمال غربی میدان بیشترین امکان حضور و دیده شدن را در کل میدان دارند. به عبارتی دیگر فضایی بالقوه جهت قرارگیری عناصر ارزشمند و هویت‌ساز (مانند المان) در میدان است.

توضیح: تلورانس از رنگ سرد (آبی) به گرم (قرمز)، افزایش درجه حضور و دیده شدن را در میدان نمایش می‌دهد.

رنگ: رنگ غالب جداره‌ها و کف میدان را با توجه به مصالح مصرفی (سنگ و شیشه) آبی و سفید شکل داده‌اند که تا حدودی به القای وسعت و آرامش در فضا کمک کرده است. با این وجود رنگ‌های به‌کاررفته در میدان فاقد وحدت و هماهنگی کافی‌اند.

نورپردازی: نورپردازی‌های موجود میدان در جهت زیباسازی و استفاده شب در برخی فضاها به خوبی صورت گرفته و توانسته است جلوه‌هایی از معنویت و معنا را در فضای میدان نمایان کند. به عنوان مثال نورپردازی مجسمه جانباز در شب به خوبی جلوه‌های زیبایی و معنوی آن را نمایان کرده است.



تصویر ۹. نورپردازی ابنیه و المان‌های میدان

تنوع عملکردی: وجود تنوع و گوناگونی در یک سمت میدان به واسطه وجود مراکز خرید و تک‌عملکردی بودن میدان در سمت دیگر منجر به ایجاد دو بخش متفاوت شده است اما شاید نکته مهم‌تر در باب تنوع در

فضای میدان بی‌توجهی به مفاهیم معنوی و معنایی و تأکید بر نیازهای مادی و فیزیکی شهروندان باشد.

مولفه‌های عینی

مصالح نما: استفاده از مصالح غیربومی در ابنیه موجود هویت‌مندی میدان را کاهش داده است همچنین استفاده غالب از شیشه در جداره ساختمان‌های پروما و مرکز مالی و اقتصادی منجر به کاهش خصوصیتی چون رازداری، سلسله‌مراتب فضایی و ضعیف کردن معانی درون و بیرون شده است.



تصویر ۱۰. نمای شیشه به‌کاررفته در ابنیه موجود: کاهش معناگرایی

عناصر طبیعی: عناصر طبیعی میدان را درختان و آب‌نماها تشکیل داده‌اند. کاربرد غیراصولی درختان را در جزیره میانی میدان در رابطه با مجسمه جانباز می‌توان مشاهده کرد به گونه‌ای که مانع دیده شدن این عنصر نشانه‌ای از دو جهت اصلی شده است.

مبلمان شهری: مبلمان شهری موجود در میدان فاقد کیفیت و زیبایی لازم‌اند. مبلمان به‌کاررفته در فضا فاقد ویژگی‌های بومی و هویتی بوده و تقلیدی از نمونه‌های مشابه خارجی است. همچنین کمبود فضای نشستن (مانند نیمکت) معنای سکون را در میدان ضعیف کرده است.



تصویر ۱۱. نبود مبلمان کافی جهت نشستن: کم توجهی به حس سکون میدان

آثار هنری: آثار هنری به کاررفته در میدان شامل مجسمه و آثار حجمی بوده است. در این میان فرم انتزاعی و ساده به کاررفته در پایه‌های حجمی پیاده‌روهای میدان فاقد ویژگی‌های معنایی و معنوی‌اند.



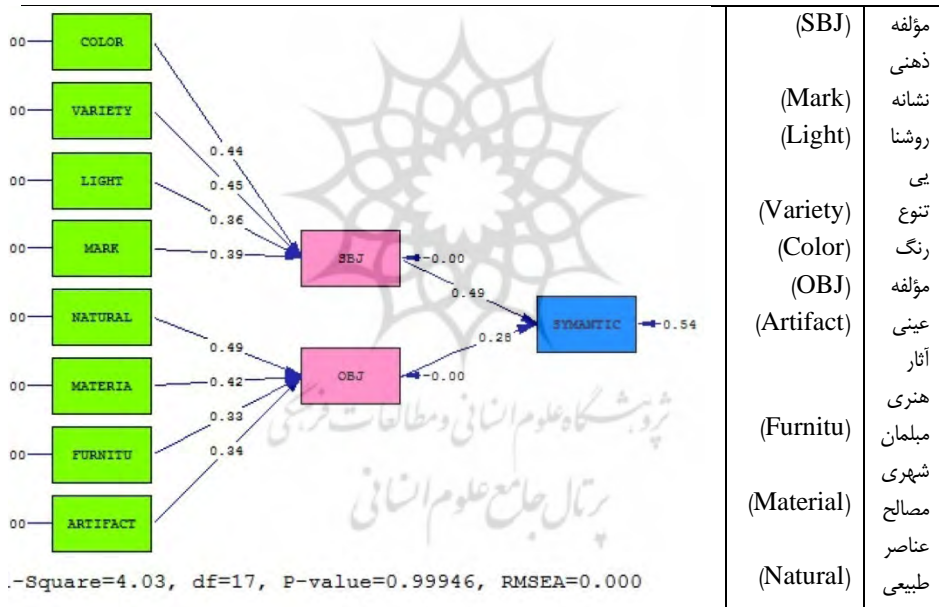
تصویر ۱۳. فقدان زیبایی بصری و معنایی و بی توجهی شهروندان



تصویر ۱۲. فقدان زیبایی بصری و معنایی در آثار حجمی

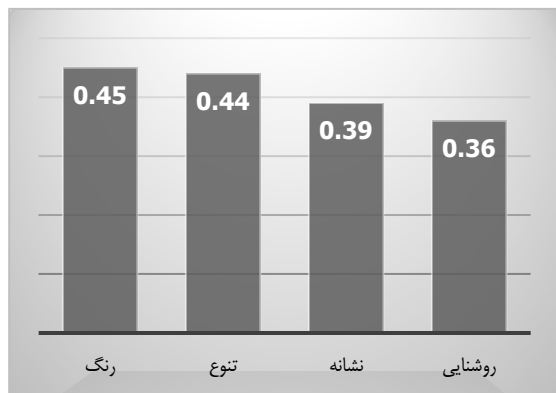
یافته‌های پژوهش

در این بخش وجود رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته موجود در پرسشنامه، معیارهای زیبایی‌شناسانه و تعاملات اجتماعی میدان مورد بررسی قرار می‌گیرند. وجود رابطه میان متغیرهای فوق در یک مدل مفهومی در نرم‌افزار لیزرل بررسی می‌شود که برازش این مدل با آزمون کای دو و سطح معنی‌داری سنجیده می‌شود. مدل حاصل از تحلیل لیزرل در این پژوهش براساس مقادیر سطح معنی‌داری (P-value) و (RMSEA) مدلی مطلوب و با برازش بالا است اثبات آن را می‌توان در مقادیر $P\text{-value} = 1$ و $RMSEA = 0$ مشاهده کرد. براساس مدل فوق تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به صورت زیر است.



نمودار ۴. مدل مفهومی روابط میان متغیرهای وابسته و مستقل

براساس این مدل مؤلفه ذهنی ($SBJ = 0/49$) تأثیر بیشتری از مؤلفه عینی ($OBJ = 0/26$) بر میزان تعاملات اجتماعی داشته است. همچنین این مدل میزان تأثیرگذاری هریک از معیارهای مرتبط با مؤلفه‌های عینی و ذهنی را نمایش می‌دهد که در قالب جداول و نمودارهای زیر نمایش داده شده است.

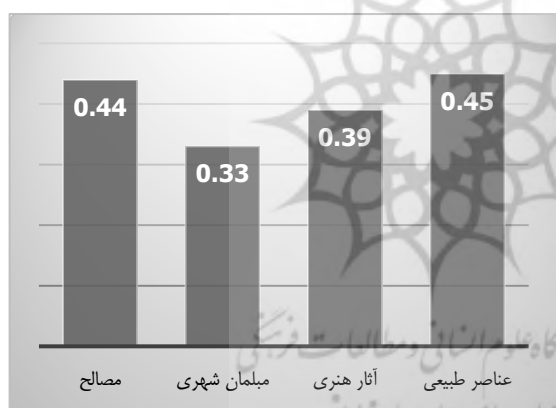


جدول ۱. رتبه‌بندی تأثیرگذاری معیارهای

عینی

مقدار	معيار	رتبه
۰.۴۵	تنوع	۱
۰.۴۴	رنگ	۲
۰.۳۹	نشانه	۳
۰.۳۶	روشنایی	۴

نمودار ۵. رتبه‌بندی تأثیرگذاری معیارهای عینی



جدول ۲. رتبه‌بندی تأثیرگذاری معیارهای

ذهنی

مقدار	معيار	رتبه
۰.۴۵	عناصر طبیعی	۱
۰.۴۴	مصالح	۲
۰.۳۹	آثار هنری	۳
۰.۳۳	مبلمان شهری	۴

نمودار ۶. رتبه‌بندی تأثیرگذاری معیارهای ذهنی

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی ویژگی‌های میادین سنتی و شناسایی معیارهای تحلیل معناشناسانه در فضاهای شهری به منظور ارتقای سطح تعاملات اجتماعی است. بر این اساس مشخص شد که میدان‌های سنتی با تکیه بر ویژگی‌های کالبدی - فضایی و عملکردی برخاسته از مکاتب اسلامی خود منجر به افزایش معنا و معنویت در فضای شهری و (به تبع آن با عملکرد اجتماعی متغییری که در طول زمان می‌گرفتند) ارتقای

تعاملات اجتماعی می‌شدند. در این تحقیق تحلیل معناشناسانه فضای شهری میدان و ارتباط آن با تعاملات اجتماعی با استفاده از معیارهای عینی و ذهنی صورت گرفت که یافته‌های حاصل از مدل تحلیلی لیزرل نشان می‌دهد معیارهای ذهنی (تنوع، رنگ، روشنایی و نشانه) تأثیر بیشتری نسبت به معیارهای عینی (عناصر طبیعی، مصالح، آثار هنری و مبلمان شهری) بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی شهروندان محدوده داشته‌اند. از نتایج مهم این تحقیق می‌توان به ارتباط مستقیم رتبه‌بندی معیارها در رابطه با مؤلفه‌های ذهنی و عینی در مدل لیزرل و مشاهدات میدانی و تحلیل‌های فضایی اشاره کرد به عنوان مثال المان میدان به عنوان یکی از نشانه‌ها که توسط تحلیل خطوط محوری و سطح دید بررسی شد کمترین ارتباط را با مؤلفه ذهنی در مدل لیزرل برقرار کرده است. در این رابطه به منظور تقویت معیار فوق می‌توان از نقشه خطوط محوری برای مکان‌یابی مناسب نشانه در فضای میدان و از نقشه تحلیل سطح دید برای ایجاد افزایش دید به المان موجود در میدان استفاده کرد. همچنین کمبود مبلمان شهری و کیفیت نامناسب آثار هنری که در تحلیل‌های میدانی عنوان شد در مدل لیزرل، در رابطه با مؤلفه عینی کمترین امتیاز را دارد که در این راستا استفاده از مبلمان شهری مناسب با توجه به ماهیت سکون میدان و بهره‌گیری از آثار هنری اسلامی و متناسب با فرهنگ بومی می‌تواند راهگشا باشد. در پایان باید گفت در صورتی می‌توان فضای شهری مطلوبی داشت که طراحی و برنامه‌ریزی کالبد و عملکرد فضا در رویکردی معنایی و همراه با معنویت صورت گیرد در غیر این صورت فضاهایی بی‌هویت و خالی از حس تعلق خواهیم داشت. همچنین از فرایند و روش‌های مورد استفاده در این پژوهش می‌توان به منظور تحلیل معیارهای زیبایی‌شناسانه و مکان‌یابی و تحلیل نشانه‌ها در رابطه با دیگر فضاهای شهری استفاده کرد.

منابع

۱. ابراهیمی، محمد حسن، ۱۳۸۸، میدان، فضاهای تعریف نشده شهرهای ایرانی، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۴، صص ۱۰۷-۱۲۰.
۲. اعوانی، غلامرضا، ۱۳۷۵، حکمت هنر معنوی، نشر گروس، تهران.
۳. الیاده، میرچا، ۱۳۷۵، دین پژوهشی، ترجمه بهالدین خرمشاهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۴. بارت، رولان، ۱۳۸۴، امپراطوری نشانه‌ها، ترجمه ناصر فکوهی، نشر نی، تهران.
۵. بدری، سید علی؛ رفیعیان، مجتبی، ۱۳۷۰، بررسی میادین قدیمی شهر تهران از دیدگاه جغرافیای شهری، مجله رشد آموزش جغرافیا، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۱۶-۲۲.
۶. بردی آنامراندزاد، رحیم، ۱۳۹۰، مقدمه‌ای بر میدان‌های شهری، انتشارات دانشگاه مازنداران، بابلسر.
۷. پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۸۵، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، انتشارات شهیدی، تهران.
۸. پورجعفر، محمدرضا، ۱۳۸۸، طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری، نشر طحان، تهران.
۹. چندلر، دانیل، ۱۳۸۶، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، شرکت انتشارات سوره مهر، تهران.
۱۰. حبیب، فرح، ۱۳۸۵، کندوکاوی در معنای شکل شهر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۵، صص ۵-۱۴.
۱۱. حبیبی، سیدمحسن، ۱۳۷۷، مکتب اصفهان در شهرسازی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳، صص ۴۸-۵۳.
۱۲. حبیبی، سیدمحسن، ۱۳۸۶، از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۳. رایاپورت، آموس، ۱۳۸۴، معنای محیط مصنوع، ترجمه: فرح حبیب، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۱۴. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۸۰، بازارهای ایرانی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۵. شولتز، نوربرگ، ۱۳۸۱، مفهوم سکونت، ترجمه محمد یاراحمدی، انتشارات آگاه، تهران.
۱۶. طیبیان، منوچهر، ۱۳۷۹، شهر و فضاهای شهری، مجله معماری و فرهنگ، شماره ۶، صص ۳۰-۳۴.
۱۷. عباس‌زادگان، مصطفی، ۱۳۸۱، روش چیدمان فضا در طراحی شهری با نگاهی به شهر یزد، فصلنامه مدیریت شهری، سال سوم، شماره ۹، صص ۶۴-۷۴.
۱۸. فلامکی، محمدمنصور، ۱۳۷۱، شکل‌گیری معماری در تجاب ایران و غرب، انتشارات نشر فضا، تهران.
۱۹. کریر، راب، ۱۳۷۵، فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی‌نژاد، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۲۰. لینچ، کوین، ۱۳۸۵، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سیدحسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۱. ماجدی، حمید؛ سعیده زرابادی، زهرالسادات، ۱۳۸۹، جستار در نشانه‌شناسی شهری، دو فصلنامه معماری و شهرسازی آرمانشهر، دوره سوم، شماره ۴، صص ۴۹-۵۶.
۲۲. مدنی‌پور، علی، ۱۳۸۷، طراحی فضای شهری نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی،

انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.

۲۳. مهندسان مشاور فرنهاد، ۱۳۸۸، طرح توسعه و عمران کلان‌شهر مشهد مقدس، گزارش مطالعات کیفیت عرصه همگانی، مشهد.

۲۴. نقی‌زاده، محمد، ۱۳۸۵، معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، انتشارات راهیان، اصفهان.

۲۵. نقی‌زاده، محمد، ۱۳۸۹، تحلیل و طراحی فضای شهری، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

26. Danesi, Marcel, 2007, *The Quest for Meaning: A Guide to Semiotic Theory and Practice*, University of Toronto Press, Toronto.

27. Penn, Alan, 2003, *Space Syntax and Spatial Cognition: Or, Why the Axial Line?* *Journal of Environment and Behavior*, No. 3, pp. 30-65.

28. Rogers, will, 2003, *The Excellent City Park System: What Makes it Great and How to Get There*, The Trust for Public Land Pub, Washington DC.

29. Trancik, Roger, 1986, *Finding Lost Space: Theories of Urban Design*, Cornell University, USA.

30. Turner, Alasdair, Doxa, Maria, O'Sullivan, David. And Penn, Alan, 2001, *From Isovists to Visibility Graphs: A Methodology for the Analysis of Architectural Space*, *Environment and Planning B: planning and design*, Vol.28, No. 1, pp.103-121.